



اهمیت قضا در اسلام

۲

قسمت بیست و نهم

حجة الاسلام والمسلمین آسده الله بیات

در اصل یکصد و شصت و پنجم در باره علنی بودن محاکمات اینطور میفرماید:

محاکمات، علنی انجام میشود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

در اصول یکصد و شصت و ششم و یکصد و هفتاد و هفتم در باره مستند و مستدل بودن آراء دادگاهها اینطور میخوانیم:

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است. قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبره حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل اولی در نظام اسلامی و در نظام قضاء اسلام بر برائت افراد است و مادامیکه فردی محکومیت و مجرمیت در محکمه صالحه پیدا نکرده است و از رویی دلیل و حکم معتبر جرمی بر شخص ثابت نشده است در نظام اسلامی او بری و آزاد و مورد احترام است و هر نسبتی به وی داده شود و بصورت شایعه، تاجرانسردانه بر علیه او مطالبی نقل مجالس گردد از نظر قضاء اسلامی محکوم بوده و با شایع کنندگان باید مانند مقتری و اشاعه کننده فحشاء و کذب برخورد بعمل آید و مورد تعزیر واقع شود و جلوائن نوع کارهای زیان آور اجتماعی و حیثیتی را بگیرد و مردم از حیث زندگی اجتماعی احساس آرامش و اطمینان نمایند.

و لذا در اصل سی و هفتم اینطور دارد:

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

و در اصل یکصد و شصت و نهم اینطور می خوانیم:

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

محاکمات حتماً باید علنی باشد

در نظام قضائی اسلام آنقدر احکام و آراء محکم و مستند خواهد بود که خودمتهم که معمولاً از وضع برخوردها و محکومیت که احیاناً برای وی پیش میآید ناراضی بوده و ناراحت میشود در مقابل رأی دادگاه کاملاً تسلیم بوده و اظهار رضایت و خشنودی از برخورد عادلانه و استناد بقانون و مواد آن می نماید و بهمین جهت اگر انتظاراتی داشته باشد انتظارات اخلاقی و عاطفی و در حد عفو و بخشش و اغماض و استنساد به عوامل مخففه و ارفاق میباشد لذا در قانون اساسی از یکطرف اصل را بر علنی بودن محاکمات گذاشته است و الزاماً تمام دادگاهها محاکماتشان باید علنی باشد و مطمئناً علنی بودن محاکمات از علنی از نگرانیها و اعمال فشارها و برخوردهای سلیقه ای کاسته و اجراء عدالت را آسان می سازد و از طرف دیگر قاضی و رئیس دادگاهها را ملزم ساخته است تا با حفظ عدالت و بیطرفی کامل از روی مواد قانونی و صراحت آن حکم، موضوع حکم را بدست آورده و مستنداً و مستدلماً رأی را صادر نماید و علاوه بر اینها در مواردیکه ممکن است تخلفی از این اصول و معیارها صورت پذیرد و حقی از فردی ضایع و پایماله گردد دستگاهها و جاهانی از قبیل دیوان عالی کشور و بازرس کل کشور و دادسرای انتظامی قضات و امثال آن پیش بینی شده است آن کسی که فکر میکند درباره او عدالت مراعات نشده و حقی از بین رفته است و قاضی در رأیی که صادر کرده است از ضوابط و اصول و قانون تخلفی نموده است میتواند به حکم صادر شده اعتراض نماید و حکم را از قطعیت خارج سازد.

در اصل یکصد و شصت و یکم درباره دیوان عالی کشور چنین آمده است:

دیوان عالی کشور بمنظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیتهائی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند تشکیل می گردد.

ملاحظه مینمائید با توجه باین اصول اگر نظام قضائی آنها را بطور کامل مورد توجه قرار دهد و به بهانه های واهی و غیر روشن منازل و مکاسب اشخاص مورد حمله قرار نگیرد و باور مردم این باشد، دادگاهها و نیروهای انتظامی در مواردی سراغ افراد میروند که دلیل روشن و سند محکمی داشته باشند و اصل بر برائت آنان به این سادگیها به صرف احتمال ولو ضعف شکسته نمیشود و جرم بودن و ارتکاب به جرائم باید از روی قانون و با استناد بقانون مورد محاسبه قرار گیرد و بنا بر جرم تراشی و مجرم ساختن و پرونده سازی نبوده بلکه این نوع کارها خودش جرم بزرگ و مرتکبین آنها تحت پیگرد قانونی و قضائی قرار میگیرند بدون تردید جامعه به سوی ثبات و استقرار و اطمینان حرکت خواهد کرد و امنیت بمعنی واقع کلمه سایه خواهد انداخت و اعتماد و اطمینان مردم به نظام و دست اندرکاران نظام و بالخصوص به دستگاه قضائی جلب خواهد شد و برای تأمین این مقصود در اصل یکصد و هفتاد و یکم چنین میخوانیم:

هرگاه در اثر نقص یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تفسیر، مفسر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت بوسیله دولت جبران میشود، و در هر حال از متهم اعاده حجت می گردد.

در اصل سی و دوم چنین می خوانیم:

هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت یا موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر طرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مفیدمانی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و سوم:

هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

در اصل سی و چهارم در باره حق دادخواهی مردم چنین می خوانیم:

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که بوجه قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

برای اطمینان بیشتر افراد و مراجعه کنندگان به دادگاهها و برای اینکه قضات دادگاهها نیز کاملاً در جریان دعوا و مورد دعوا قرار گیرند و زمینه از بین رفتن هیچ حقی فراهم نگردد قانون اساسی در اصل سی و

پنجم به طریق اجازه داده است بیشترین استفاده را از فرصت بعمل آورده و از همه نوع امکانات و شرایط برای احقاق حق خویش بهره برداری نماید از جمله انتخاب وکیل در دادگاه برای دفاع از حق وی که فکر می کند ممکن است مورد بی مهری و بی توجهی قرار گیرد. متن اصل چنین است:

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

و در اصل سی و هشتم می خوانیم:

حکم به مجازات و احراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

و در اصل سی و هشتم چنین آمده است:

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. احبار شخص به شهادت و اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

و در اصل سی و نهم با صراحت بیشتر چنین می خوانیم:

هیچ کس حرمت و حیثیت کسی که بحکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، بهر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

آری مقتضای امرزشی بودن یک نظام و اسلامی شدن دستگاههای قضائی همین خواهد بود اگر دستگاه قضائی بعنوان مخاطب اصلی این اصول و اصل نظام بعنوان حامی و پشتیبان این اصول برای احراء عدالت اجتماعی اسلام و احیاء حقوق عامه و تأمین آزادیهای مشروع فردی و اجتماعی طبق محدود شرایط اجرا و پیاده شدن این اصول را فراهم نمایند و در میدان عمل آنها را مد نظر قرار دهند و قضات ما بدون کوچکترین تفسیر و تأویل و توجه آنها را اجرا کنند آنوقت معلوم خواهد شد که تنها در سایه قضا اسلامی می توان به عدالت و تضمین آزادیهای مشروع انسانی و عفت عمومی و حاکمیت اخلاقی و ارزشهای انسانی و اسلامی و احیاء حقوق عامه امیدوار بود.

و تنها از طریق حمایت و برخورد قاطع دستگاه قضائی می توان آینده روشنی برای جامعه و فکر و اندیشه و قلم و مطبوعات و دیگر رسانه های گروهی ترسیم کرد و تنها از این طریق می توان امیدوار بود که در جامعه افراد به جرم اینکه آزاد اندیشند و کویه ای درباره قضایا و مسایل قضاوت نمی نمایند از روی منطبق و استدلال ابراز نظر می نمایند و برای موضوعات گوناگون سیاسی و اجتماعی تحلیل و دلیل می توانند ارائه دهند تحت تعقیب و پیگرد قرار نمی گیرند بلکه از آنها در حد

بقیه در صفحه ۵۰

ارزشها و مکتبها

مجله علمی و فرهنگی



همانگونه که در مقدمه این مجموعه آمده است نویسنده گرانقدر، در حدود ۲۰ سال قبل که در زندان ستمشاهی بسر می بردند، عوامل ناکامی و زمینه های سقوط نظام مارتکستی را در این سلسله مطالب به رشته تحریر درآورده بودند، ولی در زمانی که پاسدار اسلام به نشر آن در مجله و سپس بصورت این کتاب اقدام کرد، محدودرات سیاسی ایجاب می کرد که با توجه به موقعیت سیاسی برجسته نویسنده معظم، یعنی جناب حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی از ذکر نام ایشان خودداری شود. و امروز که روشن بینی و زرف اندیشی امام فقید و شاگردان مکتبش با فرو پاشی آشکار و نهایی کمونیسم، به اثبات رسید، باز دیگر این کتاب را با این امید منتشر می سازیم که پیش بینی دیگر آن بزرگوار در مورد فرو پاشی الحاد غرب در آینده ای نه چندان دور محقق شود. ان شاء الله تعالی.

علاقه مندان، برای تهیه این کتاب می توانند به دفتر مرکزی پاسدار اسلام در قم و تهران و در شهرستانها به نمایندگیهای مجله مراجعه یا مکاتبه نمایند.

پیام زن

پیش شماره اول
دی ۱۳۷۰

«توجه»

مجله «پیام زن» نشریه جدید دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مخصوص بانوان منتشر شد.

بقیه از ۲۷ رجب تا ۲۲ بهمن

متمهد ایران گرفته تا یکایک مستضعفین و محرومین جهان، احساس غربت کردند و در فراقش خون گریستند.

و این خمینی عزیز تنها یک یادگار دارد که همواره سفارش کرده است آن را آزیاد نبریم و با دل و جان نگهدارش باشیم و آن «انقلاب اسلامی» است؟ انقلابی که «صفت الله» دارد و از «آیات الله» جاویدان است؛ انقلابی که هزاران شهید و معلول و مجروح انقلاب، خون پاک و مقدس

خود را برای آبیاری و بیاداشتنش، نثار کردند و میلیونها ساعت برای تحقیقش بدرگاه حضرت ذوالجلال نیایش نمودند تا سرانجام به دست یکی از دزازی زهرا و سلاله پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله، به پیروزی رسید و امید دیرینه ملت‌های دربند محقق شد و این انقلاب مقدس چیزی جز امتداد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست و هدفی جز دعوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را لبیک گفتن ندارد و این ما هستیم که موظفیم با انقلاب مقدس ایران، همانگونه که خمینی

بقیه از اهمیت فضا در اسلام

منطق و استدلال دفاع و حمایت هم می شود بدون تردید در رشد و شکوفایی استعدادها و تکامل و رشد جامعه از جهت سیاسی و اجتماعی فوق العاده مؤثر بوده و موجب تعالی اندیشه ها و افکار جامعه خواهد بود و لذا دیده می شود قانون اساسی برای احترام قایل شدن به افکار و اندیشه ها و برای اینکه قلم ها و نویسندگان و مطبوعات باید در خدمت مردم قرار گرفته و در تعالی و رشد افکار آنان باید بکوشند و

رفتار کرد رفتار کنیم و نگذاریم «ارتداد» در آن راه پیدا کند یا خدای نخواستہ در اثر بی دقتی در رفتارها و گفتارها از اصول حقه خود که خمینی پایه گذار آنهاست، منحرف گردد که البته امیدواریم با پیروی از رهنمودهای حکیمانه امام امت ارواحنا فداه و مقام معظم رهبری دام ظلّه، انقلاب اسلامی در خط مستقیم خود محفوظ بماند و با همان ایده و همان رویه به پیش رود، تا روزی که پرچم را به پرچمداری حقیقی اش و صاحب اصلیش عجل الله فرجه بسپارد، آمین رب العالمین.

تلاش نمایند. و از نظر سیاسی و فکری آنان را ارتزاق و خوراک دهند و جامعه را به سوی منطقی فکر کردن و آزاد اندیشی سوق نمایند. رسیدگی بجرائم سیاسی و مطبوعاتی را در ردیف دیگر جرائم قرار نداده و برای رسیدگی به آن نوع جرائم شیوه خاصی را پیش بینی نموده است و این نوع برخورد نشانگر جامع نگری و وسعت نظر اسلام و نظام اسلامی در ارتباط با موضوعات و مسایل گوناگون اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است.

ادامه دارد